

پدیده درس آموز نخستین رئیس جمهوری اسلامی ایران

در تاریخ ۵۸/۱۰/۶ از صادق خلخالی که یکی از نامزدهای اولیه ریاست جمهوری بود، خبری عجیب منتشر شد... خلخالی بار دیگر تغییر موضع داد و در مصاحبه با «کیهان» گفت: من هیچ کس را در مقابل خودم برای احراز این پست قبول ندارم، ولی به حکم اجبار بنی صدر را مورد تایید قرار می‌دهم و به احتمال ۹۰ درصد بنی صدر رئیس جمهور خواهد شد؛ لیکن مدت زیادی در این پست دوام نخواهد یافت؛ چرا که یک صدم قاطعیت مرا ندارد.

۱۲۵۳۶ تاریخ انتشار: ۳۰ خرداد ۱۳۸۷



همزمان با بیست و هفتمین سالگرد صدور رأی عدم کفایت دکتر سید ابوالحسن بنی صدر، نخستین رئیس جمهور ایران، «تابناک» در گزارشی به بازخوانی پرونده درس آموز اولین تجربه دموکراسی در جمهوری اسلامی می‌پردازد.

این رأی مجلس اندکی پس از آن صورت گرفت که امام خمینی (ره) با وجود گلایه‌های یاران خود چون آیت الله بهشتی، هاشمی، محمدعلی رجایی و... و نیز درگیری‌های شدید وی با طیف خط امامی حزب جمهوری اسلامی، با هدف حفظ آرامش کشور و احترام به رأی مردم ایران، ماه‌ها به حمایت از رئیس جمهور قانونی پرداخت.

در بخشی از این گزارش آمده است: ابوالحسن بنی صدر متولد دوم فروردین ۱۳۱۲ در باغچه از توابع همدان دوران تحصیل خود را در همدان و تهران گذراند و دوران طفولیت را تا اخذ دیپلم متوسطه در این شهر سپری ساخت. بنی صدر علیرغم اینکه در خانواده‌ای روحانی بزرگ شده بود و پدرش از جمله روحانیون معروف همدان بود؛ اما به گفته خودش جو موجود خانواده‌اش فضای ضد آخوندی تمام عیاری داشت. (درس تجربه، ص ۴۳)...

ابوالحسن بنی صدر پس از گرفتن لیسانس، کار خود را در مؤسسه تحقیقات علوم اجتماعی احسان نراقی آغاز کرد. او در همین ایام با دختر همسایه دوران نوجوانی‌اش در همدان ازدواج کرد...

همزمان با بازگشت امام به ایران در ۱۲ بهمن، وی از جمله کسانی بود که در این سفر با ایشان همراه بود. در آن زمان وی چهره‌ای ناشناخته برای مردم بود، اما بعد از گذشت سه روز از ورودش به ایران، سلسله سخنرانی‌هایی در دانشگاه صنعتی شریف داشت که ده روز به طول انجامید. از این پس بسیاری او را در لباس یک روشنفکر دینی که سعی دارد با استفاده از مفاهیم و مضامین قرآنی و اسلامی پیوندی با دنیای متمدن غرب برقرار کند، می‌شناختند.

عامل دیگر که در نقش بستن بهتر این ذهنیت مؤثر بود، مناظره بنی صدر با بابک زهرایی از رهبران گروهی مائونیستی موسوم به کارگران انقلابی بود که چهره موفقی از او به نمایش گذاشت. کم‌کم زمینه عضویت او در شورایی انقلاب مطرح شد و با قطعی شدن این موضوع، از این پس در بیشتر روزنامه‌ها، عکس و خبر او درج می‌شد.

وي در این دوران برای بسیاری به عنوان کسی که ظاهراً برای مشکلات، راه حلی ایدئولوژیک و مبتنی بر اسلام اندیشیده، مطرح بود؛ خصوصاً اینکه در آن زمان وي مقالات و کتاب‌های زیادی را در این زمینه تألیف کرده بود، مانند اقتصاد توحید، کیش شخصیت، صد مقاله پیرامون جمهوری اسلامی و...

وي در این مقطع یکی از منتقدان تند و تیز کابینه دولت موقت هم بود و در ساختار اقتصادی از جمله مدافعان سرسخت ملی شدن بانک‌ها و اقتصاد بدون بهره بود. از طرفی دیگر تجربه حضور در وزارت اقتصاد و دارایی و امور خارجه را هم داشت. همه این عوامل باعث شد که او به عنوان یکی از چهره‌های مطرح برای انتخابات اولین دوره ریاست جمهوری شناخته شود؛ به ویژه آنکه وي قبل از مطرح شدن این فکر، روزنامه «انقلاب اسلامی» را - با این هدف که صرفاً در خدمت انقلاب ایران باشد - تأسیس و راه‌اندازی کرد که عملاً این نشریه به سخنگوی تبلیغاتی وي در انتخابات و دوران ریاست جمهوری تبدیل شد...

در تاریخ ۵۸/۱۰/۶ از صادق خلخالی که یکی از نامزدهای اولیه ریاست جمهوری بود، خبری عجیب منتشر شد. وي در گفت‌گو با «کیهان» گفت: برای نشان دادن اتحاد و هماهنگی و جلوگیری از هرگونه توطئه، اینجانب به نفع جناب آقای بنی‌صدر کناره‌گیری می‌کنم و به همه افرادی که به اینجانب لطف و مرحمت دارند، عرض می‌کنم که با قاطعیت رای خود را به جناب بنی‌صدر بدهند. شورای مرکزی ستاد فدائیان اسلام نیز به پیروی از خلخالی از بنی‌صدر حمایت کرد...



جامعه روحانیت مبارز در ۵۸/۱۰/۱۲ بنی‌صدر را کاندیدای مورد حمایت خود معرفی کرد و در بیانیه‌ای دلایل خود را برای حمایت از این نامزد این‌گونه برشمرد:
۱- رئیس‌جمهور باید در برابر تمام مواد قانون اساسی جمهوری اسلامی خاضع و در اجرای آن ملتزم باشد.
۲- انقلاب اسلامی ایران مکتبی است و طرز تفکر رئیس‌جمهور باید مکتبی باشد...

در همین روز خلخالی بار دیگر تغییر موضع داد و در مصاحبه با «کیهان» گفت: من هیچ کس را در مقابل خودم برای احراز این پست قبول ندارم، ولی به حکم اجبار بنی‌صدر را مورد تأیید قرار می‌دهم و به احتمال ۹۰ درصد بنی‌صدر رئیس‌جمهور خواهد شد؛ لیکن مدت زیادی در این پست دوام نخواهد یافت؛ چرا که یک صدم قاطعیت مرا ندارد...

با انتخاب بنی‌صدر، فضای تأسف‌باری بر اردوی نیروهای خط امام آن دوره حاکم شد. نگرانی‌ها وقتی دوچندان شد که دیدند بنی‌صدر با راه‌اندازی نهادی موسوم به «دفتر هماهنگی‌های رئیس‌جمهوری»، قصد تسخیر مجلس را نیز دارد. بنابراین رقابت‌ها از نو آغاز شد و کدورتی که بین جامعه روحانیت مبارز و حزب جمهوری در آستانه انتخابات ریاست جمهوری به وجود آمده بود، به سرعت برطرف شد و نیروهای سیاسی مجدداً صف‌آرایی کردند...

منبع: سایت تابناک

<http://tabnak.ir/pages/?cid=12536>

اولین تجربه دموکراسی در جمهوری اسلامی

بررسی پدیده درس آموز بنی صدر - ۱

۲۹ خرداد ۱۳۸۷

فتاح غلامی

جنجال بر سر خیانت بنی صدر، پس از ۲۷ سال

چندی پیش به مناسبت سالروز آزادی خرمشهر، علی شمخانی وزیر سابق دفاع با حضور در یکی از برنامه‌های تلویزیونی به تبیین آثار و نتایج این حادثه مهم دوران دفاع مقدس پرداخت و در ضمن پاسخگویی به یکی از پرسش‌های مجری برنامه درباره نقش بنی صدر در سالهای آغازین جنگ تحمیلی، اتهام خیانت اولین رئیس جمهور اسلامی ایران در جایگاه فرماندهی کل قوا را مورد تشکیک قرار داد. وی در ارائه چنین نظری تنها نبود؛ بلکه چندی پیشتر رحیم صفوی فرمانده سابق کل سپاه پاسداران نیز در سخنانی مشابه چنین مطالبی را گفته بود. بعد از انتشار این سخنان، دوباره بحث ضعف و خیانت ابوالحسن بنی صدر در مطبوعات و محافل سیاسی مطرح شد و به‌ویژه برخی چهره‌های شاخص عرصه رسانه، اقدام به نگارش مطالبی انتقادی از دو فرمانده سابق نظامی کردند.

این اتفاق نشان داد که علیرغم گذشت ۳۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، در بین دوستداران نظام هم تحلیل یکسانی در مورد وقایع و تحولات این برهه از تاریخ معاصر ایران وجود ندارد و این دشواری کار متولیان تاریخ را در تبیین درست رویدادهای انقلاب اسلامی برای نسل سومی که تنها به واسطه شنیده‌ها و نوشته‌ها با انقلاب ارتباط برقرار کرده‌اند، دو چندان می‌کند. در گزارشی که از نظر مخاطبان گرامی خواهد گذشت، نگارنده بر آن است تا با مراجعه به برخی از اسناد و مدارک، سیری گذرا از زندگی و اقدامات سید ابوالحسن بنی صدر تا مقطع عزل وی از ریاست جمهوری ارائه دهد و قضاوت را به خوانندگان واگذار کند.

آخوندزاده‌ای در فضای ضدآخوندی

ابوالحسن بنی صدر متولد دوم فروردین ۱۳۱۲ در باغچه از توابع همدان دوران تحصیل خود را در همدان و تهران گذراند و دوران طفولیت را تا اخذ دیپلم متوسطه در این شهر سپری ساخت. بنی صدر علیرغم اینکه در خانواده‌ای روحانی بزرگ شده بود و پدرش از جمله روحانیون معروف همدان بود؛ اما به گفته خودش جو موجود خانواده‌اش فضای ضد آخوندی تمام عیاری داشت. (درس تجربه، ص ۴۳)

این نگاه منفی و بیم داشتن از اجبار پدر برای یادگیری دروس حوزوی باعث شد که وی در عرصه فراگیری علوم جدید از خود تقلایی نشان دهد. در کنار این، از مسائل سیاسی هم غافل نبود و کم و بیش در جریان وقایع و رویدادهای روز قرار می‌گرفت. بنی صدر علاقمند تحصیل در رشته حقوق دانشگاه تهران بود، اما به دلیل نمره صفر گرفتن در زبان خارجه، نتوانست در کنکور شرکت کند و ناگزیر به تحصیل در دانشکده معقول و منقول شد. در دوران دانشجویی ابتدا به حزب «رحمتکشان» مظفر بقایی تمایل یافت، اما در جریان کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد، جذب جبهه ملی شد. (درس تجربه، ص ۵۷) ابوالحسن بنی صدر پس از گرفتن لیسانس، کار خود را در مؤسسه تحقیقات علوم اجتماعی احسان نراقی آغاز کرد. او در همین ایام با دختر همسایه دوران نوجوانی‌اش در همدان ازدواج کرد.

از جبهه ملی تا پیوند با انقلابیون

در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت دو بار بازداشت شد و مدت کوتاهی را در زندان گذراند. ابوالحسن بنی صدر پس از سرکوب قیام ۱۵ خرداد ۴۲ و منحل شدن جبهه ملی دوم، به فرانسه رفت و در آنجا به همراه برخی، فعالیت‌های خود را تحت عنوان جبهه ملی سوم پی گرفت، اما طولی نکشید که اختلافات شدیدی با کنفدراسیون دانشجویان خارج کشور پیدا کردند و بر اثر بروز این درگیری‌ها، ابتدا جبهه ملی سوم و در پی آن کنفدراسیون متلاشی شد. در سالهای اولیه دهه پنجاه، آقای بنی صدر که سالها از فعالیت‌های سیاسی دور افتاده بود و در فرانسه زندگی می‌کرد و بعضاً به اتفاق دکتر نقی‌زاده در انگلیس گاهنامه «خبرنامه جبهه ملی» را منتشر می‌ساخت، به اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا نزدیک شد. با نزدیک شدن به یک تشکل اسلامی دانشجویی، دور تازه‌ای در حیات سیاسی بنی صدر آغاز شد.

زمانی که حرکت انقلابی مردم ایران شدت گرفت، روابط بنی صدر نیز با انقلابیون و پیروان امام نزدیکتر شد، به ویژه اینکه در جریان زندانی شدن آیات طالقانی و منتظری و شهادت آیت‌الله سعیدی، برخی از مبارزین از جمله محمد منتظری، محمد

غرضی، محمدعلی هادی که آن هنگام در فرانسه حضور داشتند و در کلیسای «سن مری» اعتصاب غذا کرده بودند، نقش فعالی پیدا کرد و به همراه سلامتیان، سودابه سدیفی و احمد غضنفرپور، جنبه‌های مثبت این حرکت اعتراضی را برای فرانسویان و فعالان حقوق بشر تشریح کرد. آن موقع صادق قطب‌زاده به خاطر روابط گسترده در عرصه رسانه، در پاریس معرفی‌های پیدا کرده بود و با مبارزین انقلاب و چهره‌های ملی و مذهبی ارتباط خوبی داشت، اما هم بنی‌صدر و هم قطب‌زاده تاب همکاری و تحمل یکدیگر را نداشتند و آن یکی، دیگری را به صفت کیش شخصیتی متهم می‌کرد و این ماجرا تا زمان انقلاب اسلامی و حوادث بعد از استقرار نظام هم ادامه پیدا کرد.

بنی‌صدر و ورود امام به پاریس

این اختلافات همچنان باقی بود تا اینکه خبر رسید امام قصد سفر به فرانسه را دارد. این مسئله باعث اختلاف نظر میان نیروهای انقلابی مقیم پاریس شد. بنی‌صدر با آمدن امام به پاریس به دلایل زیر مخالف بود: اول اینکه می‌گفت، ایشان یک مرجع تقلید هستند و اگر بیایند در یک کشور غربی، در بین مذهب‌یون ایرانی و منطقه جنبه خوبی پیدا نخواهند کرد. دوم اینکه او نمی‌خواست امام شاهد اختلافات موجود میان روشنفکران و نیروهای ملی و مذهبی باشد و اصرار داشت که امام برای اقامت، سوریه را انتخاب کند (هجرت امام از نجف به پاریس به روایت غضنفرپور، خبرگزاری فارس، ۸۵/۱۱/۲۲) سرانجام امام تصمیم گرفتند به پاریس سفر کنند و در زمان اقامت ایشان در فرانسه، ارتباط برخی از انقلابیون و روشنفکران از جمله بنی‌صدر با امام بیشتر شد.

پس از پیروزی انقلاب

همزمان با بازگشت امام به ایران در ۱۲ بهمن، وی از جمله کسانی بود که در این سفر با ایشان همراه بود. در آن زمان وی چهره‌ای ناشناخته برای مردم بود، اما بعد از گذشت سه روز از ورودش به ایران، سلسله سخنرانی‌هایی در دانشگاه صنعتی شریف داشت که ده روز به طول انجامید. از این پس بسیاری او را در لباس یک روشنفکر دینی که سعی دارد با استفاده از مفاهیم و مضامین قرآنی و اسلامی پیوندی با دنیای متمدن غرب برقرار کند، می‌شناختند. عامل دیگر که در نقش بستن بهتر این ذهنیت مؤثر بود، مناظره بنی‌صدر با بابک زهرایی از رهبران گروهی مائونیستی موسوم به کارگران انقلابی بود که چهره موافقی از او به نمایش گذاشت. کم‌کم زمینه عضویت او در شورای انقلاب مطرح شد و با قطعی شدن این موضوع، از این پس در بیشتر روزنامه‌ها، عکس و خبر او درج می‌شد. وی در این دوران برای بسیاری به عنوان کسی که ظاهراً برای مشکلات، راه حلی ایدئولوژیک و مبتنی بر اسلام اندیشیده، مطرح بود؛ خصوصاً اینکه در آن زمان وی مقالات و کتاب‌های زیادی را در این زمینه تألیف کرده بود، مانند اقتصاد توحید، کیش شخصیت، صد مقاله پیرامون جمهوری اسلامی و...

پیش به سوی ریاست جمهوری

وی در این مقطع یکی از منتقدان تند و تیز کابینه دولت موقت هم بود و در ساختار اقتصادی از جمله مدافعان سرسخت ملی شدن بانک‌ها و اقتصاد بدون بهره بود. از طرفی دیگر تجربه حضور در وزارت اقتصاد و دارایی و امور خارجه را هم داشت. همه این عوامل باعث شد که او به عنوان یکی از چهره‌های مطرح برای انتخابات اولین دوره ریاست جمهوری شناخته شود؛ به ویژه آنکه وی قبل از مطرح شدن این فکر، روزنامه «انقلاب اسلامی» را - با این هدف که صرفاً در خدمت انقلاب ایران باشد - تأسیس و راه‌اندازی کرد که عملاً این نشریه به سخنگوی تبلیغاتی وی در انتخابات و دوران ریاست جمهوری تبدیل شد.

در تاریخ ۵۸/۱۰/۴ کیهان در گمانه‌زنی‌های خود در مورد کاندیداهای احتمالی از بنی‌صدر، قطب‌زاده، بازرگان و غلامحسین صدیق (از نیروهای جبهه ملی) به عنوان داوطلبان شرکت در انتخابات ریاست جمهوری نام برد. از این پس گروه‌های سیاسی وارد میدان رقابت شدند و با انتشار بیانیه‌هایی، نامزد منتخب خود را به مردم معرفی و ضمن برشمردن اوصاف و شایستگی‌های او، خواستار حمایت مردم از نامزد موردنظرشان برای پیروزی در انتخابات شدند. ابوالحسن بنی‌صدر وزیر اقتصاد و دارایی نیز در همین ایام به صورت تلویحی اعلام کرد که ظرف چند روز آینده، رسماً دست به فعالیت انتخاباتی خواهد زد.

مدافعان بنی‌صدر

از صادق خلخالی که یکی از نامزدهای اولیه ریاست جمهوری بود، در تاریخ ۵۸/۱۰/۶ خبری عجیب منتشر شد. وی در گفت‌گو با «کیهان» گفت: برای نشان دادن اتحاد و هماهنگی و جلوگیری از هرگونه توطئه، اینجانب به نفع جناب آقای

بني صدر كناره گيري مي كنم و به همه افرا دي كه به اينجانب لطف و مرحمت دارند، عرض مي كنم كه با قاطعيت راي خود را به جناب بني صدر بدهند. شوراي مركزي ستاد فدائيان اسلام نيز به پيروي از خلخال از بني صدر حمايت كرد. در ۵۸/۱۰/۹ خبر رسيد كه سيد احمد مدني و ابوالحسن بني صدر هر دو ستاد انتخاباتي به راه انداخته اند. ستاد انتخاباتي بني صدر كه به صورت دفتر ي براي هماهنگي شروع به كار كرد (۵۸/۱۰/۱۰) با انتشار بيانيه اي اعلام كرد: بدون پرداختن توهين ديگر نامزدها تنها برنامه ها و اصول و عقايد و نظرات و شخصيت بني صدر را به همگان معرفي مي كنيم.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم پس از چند نشست ابوالحسن بني صدر را كانديداي رياست جمهوري اعلام كرد. البته بعدها مشخص شد كه اين توافق اوليه بوده و بخشي از جامعه مدرسین با اين نظر موافق بوده اند و بالاخره پس از رايزني هاي فراوان، از نظر اول خود عدول کرده و به نامزدي جلال الدين فارسي ابراز تمايل کردند. بازار شعارهاي انتخاباتي داغ شد و بني صدر مهمترين برنامه هاي خود را وحدت ملي، بازسازي اقتصاد، امنيت و معنويت برشمرد.

جامعه روحانيت مبارز در ۵۸/۱۰/۱۲ بني صدر را كانديداي مورد حمايت خود معرفي كرد و در بيانيه اي دلایل خود را براي حمايت از اين نامزد اين گونه برشمرد:

- ۱- رئيس جمهور بايد در برابر تمام مواد قانون اساسي جمهوري اسلامي خاضع و در اجراي آن ملتزم باشد.
- ۲- انقلاب اسلامي ايران مكتبي است و طرز تفكر رئيس جمهور بايد مكتبي باشد.
- ۳- مراعات ضوابط اسلامي را در انتخاب همكاران خود ملتزم باشد.
- ۴- از هرگونه گرايش كه با روح اسلام سازگار نيست، ميري باشد.
- ۵- در برابر اعمال تخريبي تبهكاران و دشمنان انقلاب اسلامي كه به امنيت و تماميت ارضي ايران لطمه وارد مي كنند داراي موضع باشد.
- ۶- از اعمال روش هاي مستبدانه در برابر نمايندگان ملت به دور و از رهنمودهاي امام امت الهام بگيرد.

اين مسئله نشان مي داد كه جامعه روحانيت مبارز و حزب جمهوري اسلامي اختلافاتي دارد و از اين رو بود كه از نامزدي بني صدر حمايت مي كند. در اين ميان، آيت الله مهدي كني دبیر كل جامعه روحانيت مبارز نسبت به اين انتخاب نظر خوشي نداشت و به حسن حبيبي ديگر نامزد انتخاباتي تمايل داشت و او را براي رياست جمهوري فرد صالحي مي دانست. اما با اين وصف، نظر او در اقليت قرار داشت و البته مخالفت هاي خود را با بني صدر بروز نمي داد. صادق خلخال از اولين كساني بود كه آمادگي خود را براي حضور در انتخابات رياست جمهوري اعلام کرده بود، اما مدتي بعد به نفع بني صدر كنار رفت. اما با فاصله اندكي در يك اظهار نظر رسمي گفت: در وضع فعلي كه هرج و مرج مصنوعی به وسيله ابادي خودفروخته و وابسته به ايالات متحده آمريكا و صهيونيسم بين المللي در کشور هر روز گسترش مي يابد، با توجه به قاطعيت فوق العاده مجددا كانديداتوري خود را اعلام مي كنم.

در همين روز خلخال بار ديگر تغيير موضع داد و در مصاحبه با «كيهان» گفت: من هيچ كس را در مقابل خودم براي احراز اين پست قبول ندارم، ولي به حكم اجبار بني صدر را مورد تايد قرار مي دهم و به احتمال ۹۰ درصد بني صدر رئيس جمهور خواهد شد؛ ليكن مدت زيادي در اين پست دوام نخواهد يافت؛ چرا كه يك صدم قاطعيت مرا ندارد. در ۵۸/۱۰/۲۵ احتمال كناره گيري فارسي به خاطر شبيهه قانون اساسي و ايراني الاصل نبودن او مطرح شد. اين مسئله حزب جمهوري را با وضعيت دشواري مواجه ساخت. از طرفي ميديدند كه رقيب اصلي انتخاباتي آنان يعني ابوالحسن بني صدر از حمايت گسترده برخوردار است و از سوي ديگر فكر نمي كردند بتوانند جايزين مناسبي را براي فارسي انتخاب كنند. با كنار رفتن جلال الدين فارسي، شانس دكتر حسن حبيبي افزايش يافت و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و صدوقي و مدني از او حمايت کردند.

اولين رئيس جمهور ايران انتخاب شد

بالاخره در ۵۸/۱۱/۵ اولين دوره انتخابات رياست جمهوري برگزار شد و مردم براي انتخاب رئيس قوه مجريه پاي صندوق هاي راي رفتند. بعد از پايان راي گيري شمارش آرا چند روز به طول انجاميد و در نهايت آخرين نتايج به شرح زير اعلام شد:

سيد ابوالحسن بني صدر ۱۰,۷۰۹,۳۳۰
سيد احمد مدني ۲,۲۲۴,۵۵۴
حسن ابراهيم حبيبي ۶۷۴,۸۵۹
داريوش فروهر ۱۳۳,۴۷۸
سيد صادق طباطبايي ۱۱۴,۷۷۶
كاظم سامي ۸۹,۲۷۰

دفتر هماهنگی‌های مردم و رئیس‌جمهوری

با انتخاب بنی‌صدر، فضای تأسف‌باری بر اردوی نیروهای خط امام آن دوره حاکم شد. نگرانی‌ها وقتی دوچندان شد که دیدند بنی‌صدر با راه‌اندازی نهادی موسوم به «دفتر هماهنگی‌های رئیس‌جمهوری»، قصد تسخیر مجلس را نیز دارد. بنابراین رقابت‌ها از نو آغاز شد و کدورتی که بین جامعه روحانیت مبارز و حزب جمهوری در آستانه انتخابات ریاست جمهوری به وجود آمده بود، به سرعت برطرف شد و نیروهای سیاسی مجدداً صف‌آرایی کردند. در آستانه برگزاری نخستین دوره انتخابات مجلس، گروه‌های سیاسی با شور و هیجان وارد عرصه شدند و از همان ابتدا مشخص بود که رقابت اصلی میان حزب جمهوری اسلامی و دفتر همکاری‌های مردم با رئیس‌جمهور خواهد بود. بنی‌صدر بعد از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری به منظور تجدید این موفقیت، اقدامات چندی را برای جلب توجه مردم و کسب آرای آنان برای انتخابات و راهیابی نامزدهای مورد حمایت خود به مجلس آغاز کرد که تاسیس دفتر همکاری‌های مردم با رئیس‌جمهوری از جمله این اقدامات بود.

این نهاد در شهرستان‌های مهم کشور شعبه داشت؛ اما از همان ابتدا مشخص بود که رقابت اصلی میان گروه‌ها در تهران صورت می‌گیرد و جریان‌های سیاسی همه تلاش خود را برای کسب موفقیت بیشتر در انتخابات تهران به کار خواهند بست. «دفتر همکاری‌های مردم با رئیس‌جمهور» برای تأثیرگذاری بیشتر و نشان دادن اختلاف بین اعضای جامعه روحانیت مبارز، از نامزدی علی‌اصغر مروارید عضو این تشکل روحانی حمایت کرد. مروارید در آستانه انتخابات مخالفت خود را با ائتلاف حزب جمهوری اسلامی و جامعه روحانیت مبارز اعلام کرده و موجبات رنجش اعضای حزب را فراهم آورده بود که بعدها این مسئله زمینه‌ای برای منازعات قلمی میان مروارید و حزب جمهوری اسلامی شد.

محمد مبلغی، حسن ابراهیم حبیبی، نجفقلی حبیبی، محمد جواد حجتی کرمانی، مهدی شاه‌آبادی و فخرالدین حجازی نیز از جمله نامزدهایی بودند که مشترکاً مورد حمایت حزب جمهوری و دفتر همکاری‌ها قرار گرفتند و در کنار اینها علی‌گلزاده غفوری، طاهره صفارزاده، محمد مهندس جعفری، فتح‌الله بنی‌صدر و محمدرضا پسندیده از جمله چهره‌هایی بودند که تشکل مورد حمایت بنی‌صدر از آنها برای راهیابی به مجلس حمایت کرد.

به هر حال، انتخابات برگزار و حزب جمهوری اسلامی در تهران و دیگر شهرستان‌ها موفق به کسب اکثریت آرا شده بود. این مساله نارضایتی رئیس‌جمهور و سازمان مجاهدین خلق و ملی‌گراها را در پی داشت. روزنامه انقلاب اسلامی ارگان دفتر همکاری‌های مردم با رئیس‌جمهور در روز ۲۵ اسفند فهرستی از آنچه آن را «تقلبات انتخاباتی» نامیده بود منتشر کرد. این روزنامه مدعی شده بود که این تقلبات را بنی‌صدر شخصاً مشاهده کرده یا مردم به او گزارش داده بودند.

البته این انتقادات به حدی نبود که سلامت انتخابات را به خطر اندازد و به همین خاطر، سرانجام بنی‌صدر مجبور شد اذعان کند، در جریان برگزاری انتخابات اولین دوره مجلس میزان تقلبات و تخلفات چشمگیر نبوده است. از مسائل بحث برانگیز روزهای آغازین اولین دوره مجلس شورا، بحث تصویب اعتبارنامه‌ها از جمله بررسی صلاحیت حسن آیت از حزب جمهوری اسلامی و احمد سلامتیان از یاران و دوستان بنی‌صدر بود. براساس گزارش‌های رسیده، در مورد هر دو نماینده ابهاماتی وجود داشت که باید روشن می‌شد و از سوی دیگر نگاه جناحی و گروهی نیز مسئله را حساس می‌کرد.

سلامتیان نماینده منتخب مردم اصفهان در مجلس شورای اسلامی بود که هماهنگی‌های موثری با ابوالحسن بنی‌صدر داشت و برخی از موضوع‌گیری‌های او در مورد مسائل سیاسی، خشم نیروهای خط امامی را برانگیخته بود و احتمال این می‌رفت که با توجه به این سوابق، اعتبارنامه وی توسط نمایندگان رد شود؛ اما با وجود اینکه اکثریت نمایندگان مجلس جزو نامزدهای پیشنهادی حزب جمهوری اسلامی، یعنی جریان اکثریت مجلس بودند، این اتفاق روی نداد. در مورد حسن آیت نیز مسائلی وجود داشت. انتقادهای تند و تیز او علیه بنی‌صدر و همکاری‌های او با بنی‌صدر و رئیس‌جمهور وقت ساخته بود و تمام تلاش دوستان بنی‌صدر بر این بود که از همه امکانات برای رد اعتبارنامه او استفاده کنند و حتی در گزارش‌هایی که علیه وی منتشر کردند، اشاره‌ای به سوابق همکاری او با مظفر بقایی کرمانی و حزب «زحمتکشان ایران» داشتند. با این وصف، حسن آیت در مقام دفاع از خود پرفروغ ظاهر شد و توانست آرای لازم را برای تصویب اعتبارنامه خود از مجلس بگیرد.

منبع: سایت تابناک

<http://www.tabnak.ir/pages/?cid=12512>